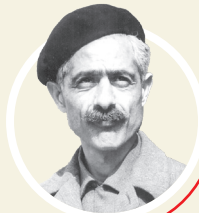




هوشیاری عیاری در حال برگشت است

سطح هوشیاری کیانوش عیاری که شنبه شب، دوم دی ماه دچار سکنه شده بود، در حال برگشت به حالت طبیعی است. ایرنا ضمن اعلام این خبر نوشت، مدیر اورژانس بیمارستان سینا در صفحه اینستاگرام خود با درج عکسی از کیانوش عیاری، در تشریح آخرین وضعیت او نوشت: «به دنبال افت مختصر سطح هوشیاری، آقای کیانوش عیاری به بیمارستان منتقل شد.» حسین کرمانپور افزود: «همکاران ما در اورژانس اقدامات حیاتی اولیه را انجام داده اند و خوشبختانه سطح هوشیاری در حال برگشت به حالت طبیعی است، لکن برای بررسی دقیق علل این اتفاق، چند روزی مهمان ارجمند همکاران عزیز ما خواهند بود.» محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی در مراسم اختتامیه جشنواره سینماحقیقت اعلام کرد، کیانوش عیاری دچار سکنه شده و به بیمارستان انتقال یافته است. کیانوش عیاری اکنون فیلم سینمایی طنز و پر فروش «ویلاي ساحلي» با بازی رضا عطاران و پژمان جمشیدی را روی پرده سینماهای کشور دارد.



افزایش مبلغ جایزه «جلال»

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران از افزایش مبلغ جایزه «جلال آل احمد» خبر داد و گفت: «برگزیدگان این دوره ۴۰۰ میلیون تومان و شایستگان تقدیر هم جایزه ۱۰۰ میلیون تومانی دریافت می کنند.» ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، جایزه «جلال آل احمد» که با اهدای ۱۱۰ سکه به برگزیدگانش گران ترین جایزه ادبی کشور شناخته می شود، در دوره هشتم با کاهش چشمگیر به ۳۰ سکه رسید. در ادامه قرار شد به برگزیدگان معادل سکه هدیه بدهند که به برگزیدگان ۱۰۰ میلیون تومان اهدا می کردند. در دولت جدید این مبلغ با افزایش به ۲۵۰ میلیون تومان رسیده بود و حالا در شانزدهمین دوره با افزایش ۱۵۰ میلیون تومانی به ۴۰۰ میلیون تومان رسیده است. این خبری بود که علی رضائی، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران در نشست خبری شانزدهمین دوره جایزه جلال آل احمد که یکشنبه سوم دی ماه در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد، اعلام کرد.



حمایت ضمنی وزیر از فوتبالیست ها

کیومرث هاشمی در حاشیه مراسم اختتامیه مربیان ورزشی کشور، در جمع خبرنگاران در پاسخ به این سوال که لغو ورود واردات خودرو و حواشی مربوط به آن در آستانه جام ملت های آسیا را چطور مدیریت می کنید؟ گفت: «این موضوع را در دولت مطرح کردیم. در گذشته هیئت وزیران محبت کرده و زحمت کشیدند تا مجوز واردات خودرو صادر شود اما پس از چند سال، لغو آن نگرانی هایی را در آستانه جام ملت ها ایجاد کرده است. خدمت مظهری، رئیس دیوان عدالت اداری هم گفت که ملاحظات این چنینی را در نظر بگیرد. البته دولت مصمم است شرایطی فراهم کند تا در تمام رشته ها این مشکل حل شود و ظرفیت های جدیدی برای سایر قهرمانان در نظر گرفته شود تا دغدغه هایی که باعث گلایه مندی آنها شد، برطرف شود.» در واقع به نظر می رسد با اظهارات وزیر ورزش، لغو حواله خودرو بازیکنان به زودی برطرف می شود و میزان پاداش ورزشکاران سایر رشته ها، افزایش می یابد.

دهه ۱۳۶۰ آغاز افول اجتماعی نیست

همبستگی های اجتماعی در ایران از اواخر دوره قاجار در حال زوال است

فرزاد نعمتی: انتشار کتاب «چه شد؟» با عنوان فرعی «داستان افول اجتماع در ایران»، یکی از رخداد های قابل تأمل حوزه کتاب های علوم اجتماعی فارسی است؛ زیرا اثر محسن گودرزی و عبدالمحمد کاظمی پور جدا از موضوع همبستگی های اجتماعی در ایران که ورد زبان و موضوع نگرانی بسیاری از مردمان است، به زبانی ساده و سلیس و در عین حال روشمند نوشته شده است و شاید به همین دلیل باشد که در مدتی کوتاه به چاپ پنجم رسیده است و جدا از آنکه نظر مثبت بسیاری از جامعه شناسان را به خود جلب



عباس کاظمی جامعه شناس

این کتاب اثری فوق العاده ارزشمند و محصول سال ها پژوهش، تجربه و سکوت مؤلفان آن است. در کتاب اثر چندانی از زیاده گویی، نظریه زدگی و مفهوم پردازی های غیر زمینه مند نیست و در مقابل، کتاب آکنده است از داده؛ داده هایی که شاید برای جامعه شناسان آشنا باشند اما برای عموم افراد جامعه درگیر شدن با داده ها بدین شیوه، بسیار مهم است و نشان می دهد جامعه شناسی آن دانشی است که با شواهد، فکت و به طرز روشمند سخن می گوید. تئوری بنیادی کتاب، نظریه همبستگی اجتماعی است. این همان نظریه ای است که امیل دورکیم در جامعه فرانسه طرح می کند مبنی بر اینکه آیا ما شاهد زوال همبستگی اجتماعی هستیم یا نه؟ پاسخی که دورکیم به ما می دهد این است که نه، شکل جدیدی از همبستگی

اجتماعی ایجاد شده است. باین همه این انتقال مشکلاتی برای جامعه فرانسه در آن دوران ایجاد کرد. تکیه مؤلفان به این نظریه این حسن را دارد که مسیر را مشخص می کند اما یک عیب نیز دارد و آن این است که مسیر از پیش مشخصی را برای نویسندگان تعیین می کند؛ یعنی در نهایت به بحث های رابرت مرتون و پارسونز باید برسند که می رسند. به همین دلیل اتکا به این نظریه مانع از آن است که به عرصه هایی از تأمل انتقادی جامعه شناسانه برسند که لایه های بنیادین جامعه را مورد نقد قرار می دهد. بنابراین این چارچوب نظری و «نظریه برد متوسط» (Middle-range Theory) که در انتهای کتاب نیز به آن اشاره شده، قدرت کافی برای انتقاد از وضعیت موجود را ندارد. کتاب «چه شد؟» با شرح کتاب بسیار خوب «دموکراسی در آمریکا» شروع می شود که پیش از انقلاب ترجمه شده است اما سال ها است این کتاب را چندان نخوانده اند. توکویل با هدف مطالعه نظام حقوقی آمریکا به آن کشور مسافرت می کند اما آنچه نظر او را جلب می کند شکوفایی اجتماعات و انجمن ها در آمریکاست؛ امری که در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی به

این قوت وجود ندارد. توکویل می بیند که چگونه این انجمن ها جماعت های چندپاره و مهاجر آمریکا را به اجتماعی قدرتمند بدل می کنند. اخیراً سریالی کران شده است به نام The Gilded Age (عصر طلایی) که در سال های ۱۸۷۰ می گذرد؛ دو، سه دهه بعد از انتشار اثر توکویل. دو، سه دهه بعد نیز کتاب مهم دیگری درباره جامعه آمریکا منتشر می شود به نام «نظریه طبقه تن آسا»، اثر تورسین ویلن که در آن مشابه همان تم موجود در سریال «عصر طلایی» نشان داده می شود که چیزی به نام جامعه از دل انجمن ها شکل می گیرد؛ مهاجرانی که تن آسایی، تظاهر، چشم بهم چشمی و فراتر از با هم دیگر دارند و باید جایی در معماری منازل و مهمانی ها و بعدتر و مهمتر از همه، در انجمن ها تحمل و شأن خود را بروز بدهند و با یکدیگر آشنا بشوند تا به نوعی به رسمیت شناخته شوند. در واقع هر چقدر هم که ثروت داشته باشند، اگر وارد انجمن ها نشوند، منزوی می شوند. بنابراین این اجتماعات اهمیت زیادی دارند و کتاب ویلن، بر اساس مشاهده رفتار همین طبقه جدید نوشته شده است. بعدتر کسی چون سسی رایت میلز، نگاهی انتقادی به

سیطره کلمات و مفاهیم اقتصادی در کتاب

در جامعه ایران قریب ۲۰ سال گذشته شاهد دوگانه ای هستیم؛ یکی حاکی از همبستگی بالا و کامل جامعه است و می گوید هر آنچه جز این گفته شود، سیاه نمایی است و دیگری بحث فروپاشی قطعی اجتماعی را طرح می کند که به نظرم بیشتر بحث هایی سطحی و ژورنالیستی است. از جمله ویژگی های این کتاب یکی این است که این هر دو ناکجایاب دوگانه را با تردید مواجه می کند. به هر روی هم در جامعه



میرطاهر موسوی جامعه شناس و فعال اجتماعی

شبکه های اجتماعی و گروه های اجتماعی بی نام و نشان و انجمن های غیر رسمی وجود دارد که فعالیت خود را دارند و از سوی دیگر وضعیت نیز آنگونه نیست که ادعا می شود همبستگی کاملی وجود دارد زیرا می دانیم بخشی از این همبستگی های رسمی دولتی و سرمایه اجتماعی خریداری شده است؛ یعنی وقتی حاکمیت در نگهداشت سرمایه اجتماعی به استیصال می رسد ناچار می شود در بازار اجتماعی مقداری خرید سرمایه اجتماعی انجام بدهد. این خرید گاهی در سایر مناسبات تجلی پیدا می کند. نظرم البته این نیست که همه این مراسم را می توان با خرید سرمایه اجتماعی و بحث مشوق ها تبیین کرد، اما به هر روی بخشی از آن را می توان با مفهوم خرید سرمایه اجتماعی تحلیل کرد. نکته درخشان این کتاب این است که افراط و تفریط، این دوگانه را نقد می کند و مفهوم متعادل و مستند «افول اجتماعی» را جایگزین آنها کرده است. بحث مهم دیگر؛ بحث «لحظه ای شدن جامعه ایران» است که قریب به یک دهه است دکتر پرویز پیران مطرح می کنند. این بحث لحظه ای شدن در قالب همین بحث افول اجتماعی نیز قابل ردیابی است. در کتاب از نظریات دورکیم، توکویل و پاتنام هم به خوبی استفاده شده است و پیوند مناسبی هم میان پاتنام و دورکیم در میانه کتاب ارائه می شود که بسیار نوآورانه است. این پیوند نظریه قابل اتکایی به کتاب داده است تا متن بتواند با این چراغ حرکت کند ولی در عین حال در بخش نقد ها اتکا به نظریات پاتنام و توکویل نوعی محافظه کاری نیز در متن و نوشتار ایجاد کرده است. توجه به تاریخ اجتماعی ایران و پهنه فرهنگی این سرزمین از دیگر عوامل جذابیت کتاب است. استفاده از اشعار شاعران چون خیام، سعدی و... و ارتباط گیری با حافظه تاریخی و ایرانی نیز از نقطه قوت های دیگر کتاب است. همچنین در کتاب دماغم نکاتی توسط نویسندگان مطرح می شود که ذهن مخاطبان را به چالش می کشد و بدین وسیله مخاطب مجبور می شود در میانه مطالعه، توقف و تأمل کند. کمیت های متنوع و مفاهیم ارزشمندی نیز به کتاب راه یافته است و سلامت و روانی کتاب نیز از مزایای آن است. در کنار این ویژگی ها نکات و پیشنهاداتی نیز به نظر می رسد که شاید بتوانند در تجدید چاپ مورد توجه قرار گیرند. در مجموع کتاب مفاهیم متعدد و ارزشمندی چون شبکه روابط اجتماعی، تبادل لطف، مبادله مبهم و نامساوی، مبادله اجناس ناهمگون، بازه زمانی طولانی پاسخ دهی سرمایه اجتماعی و... استفاده شده است. در رابطه با به کارگیری این مفاهیم دو نکته به ذهنم می رسد؛ نخست اینکه سیطره کلمات و مفاهیم اقتصادی در کتاب اندکی پررنگ است. البته می دانیم که اصل مفهوم سرمایه اجتماعی نیز از سرمایه اقتصادی وام گرفته شده است، اما مفاهیم اجتماعی جایگزین و توضیح دهنده ای نیز وجود دارد که می تواند از میزان این وام بکاهد. نکته دوم اینکه خوانندگان این کتاب دو گروه هستند؛ نخست دانشجویان، سپس عموم افرادی که در حوزه مطالعات اجتماعی مطالعه دارند. مفاهیمی که برای سرمایه اجتماعی ذکر شده، اندکی گنگ است و به صورت دستگامی مشخص ذکر نشده اند. فاصله گیری از سنت آکادمیک و روان نویسی بسیار ارزشمند است، اما به هر حال ایجاد توافق میان مؤلفان و مخاطبان بر سر چیستی سرمایه اجتماعی نیز اهمیت فراوانی دارد تا بتوان براساس آن دستگاه انضمامی درکی بهتر از سرمایه اجتماعی به خصوص در ایران و وضعیت خاص خود ما

داشت. از قضا محسن گودرزی در کنار اساتیدی چون پرویز پیران و مرحوم محمد عبداللهی از جمله کسانی است که در این حوزه نقش و سهم داشته است. طبق تلاش های پیشین، سرمایه اجتماعی دستگاهی متشکل از ۵ مؤلفه مشارکت (با تاکید بر مشارکت انجمنی)، اعتماد جمعی، اعتماد به نهاد های قدرت، همبستگی و انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) است. تنگنای مهم دیگری که این کتاب دارد، محدودیت و تناقضات و تنوعات مربوط به داده ها است. نویسندگان از اجناسی ناهمگون قریب ۱۰۰ جدول و نقشه استخراج کرده اند و این مهم را با مهارت و البته با ابزاری مختلف انجام داده اند. این ابزار البته گاهی با هم تفاوت و تناقض دارند. بحث افول علم و دانشگاه نیز در این کتاب مغفول مانده است. در نهایت می پرسیم اگر قرار باشد امروز سرمایه اجتماعی تمشیت شود، باید به دنبال ساخت و تولید سرمایه اجتماعی رفت یا نه، باید از زوال و فرسایش روزافزون سرمایه اجتماعی جلوگیری کرد؟ اولویت با کدام است؟



غفلت از نقش حکومت در افول اجتماع



مهران صولتی جامعه شناس و فعال مدنی

کتاب سبیری منطقی و منسجم دارد، نظم یافته است و از این نظر که نقشه راه مشخصی دارد و خواننده را دچار سردرگمی و پریشانی نمی کند، قابل تقدیر است. طرح مسئله و نحوه ورود مؤلفان به موضوع مورد بررسی چندان صیغه بومی و ایرانی ندارد و زمانی که نویسندگان شرحی از سفر توکویل به آمریکا به عنوان مطلع بحث ارائه می کنند، به تفاوت های جامعه ایران و آمریکا اشاره ندارند. تاکید توکویل بر رونق حیات انجمنی در آمریکا بسیار مهم است، اما این امر قدری برای خواننده ایرانی عاریتی به نظر می رسد و مخاطب با آن احساس قربانیت کافی نمی کند. اگر مؤلفان با مقدمه ای بومی و ایرانی وارد طرح مسئله می شدند، کامیاب تر بودند. نکته بعدی این است که مؤلفان تبار تاریخی و ایرانی مفاهیم مرتبط با اجتماع و سرمایه اجتماعی را چندان مدنظر قرار نداده اند. بین اجتماع و جامعه تفاوت وجود دارد و توضیحات دکتر کاظمی پور نیز در این زمینه کافی و وفای بود اما اگر این امکان فراهم می شد که کتاب با نقد پاره ای از اجتماعات نظیر آنچه در آثار دکتر مرتضی فرهادی با عنوان «فرهنگ پاریریگی» دیده می شود، آغاز بشود سپس بحث جامعه دوران مدرن و تفاوت های این دو مقوله مطرح می شد، کتاب صورت بندی بهتری پیدا می کرد. نکته بعدی این است که در کتاب تقریباً هیچ اشاره ای به اصل، چکیده و نتایج پژوهش های مشابهی که در تمام این سال ها توسط جامعه شناسان ایرانی انجام شده است، وجود ندارد. چه بسا اگر سایر تحقیقات مطرح نظر قرار می گرفت، در تکمیل این پژوهش مؤثر بود. نکته بعدی اینکه در فصل سوم از بخش یکم مؤلفان گزارش اجمالی از میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی در اروپای غربی، آمریکا شمالی، ژاپن و استرالیا به دست داده اند. این فصل ارتباط ارگانیکی با کل کتاب ندارد و چونان وصله ای ناجور به نظر می آید، ضمن آنکه هیچ توضیحی هم درباره تفاوت های سرمایه اجتماعی در کشورهای مورد اشاره ارائه نمی شود و نتیجه گیری راهگشایی نیز که به فهم بهتر موضوع کتاب کمک کند، وجود ندارد. روی هم رفته تدوین و تنظیم این فصل شتابزده به نظر می رسد. در فصلی از کتاب نیز فراز و فرود اعتماد به مشاغل مختلف به ویژه از دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۹۰ را شاهد هستیم. طبق گزارش کتاب، حیات انجمنی تقریباً در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ نسبت به نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ کاهش پیدا کرده است. می دانیم که نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ مقارن است با طرح توسعه سیاسی دولت اصلاحات، بنابراین می توان آن را بهار حیات انجمنی و شکوفایی تشکل ها دانست. برعکس در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ محدودیت های سیاسی و تنگناهایی که برای فعالیت تشکل های مدنی ایجاد شده بود، افزایش یافت. بنابراین به نظر می رسد این رخدادها با آنچه در منحنی های کتاب آمده است، تفاوت دارد و سوالی که اینجا پیش می آید این است که دلیل این تفاوت چیست؟ به نظر می رسد لازم بود که توضیحی درباره این ایهام در کتاب ذکر شود که بیان نشده است. بحث بعدی این است که مؤلفان نقش عوامل مختلف در افول اجتماع را ذکر کرده اند، اما نقش حکومت را در آن بسیار ناچیز دیده اند. توضیح بیشتر آنکه عرصه سیاست بر منطق قدرت، عرصه اقتصاد بر منطق سود، عرصه فرهنگ بر منطق افتاق و عرصه خانواده بر منطق تفاهم و صمیمیت استوار است. آنچه امروز در ایران اما دیده می شود این است که متأسفانه روابط خرده نظام سیاست به سمت اقتصاد، فرهنگ و خانواده یکسویه شده و به بیانی دیگر سیاست به دنبال تحمیل منطق خود به منطق سایر خرده نظام ها است. سیاست از طریق اقتصاد دولتی و دستوری، تحمیل سبک زندگی اسلامی و افزایش سختگیری در باره محصولات فرهنگی و با طرح هایی مانند جوانی جمعیت، تنظیم خانواده و سامانه پایش سبک زندگی مردم سعی می کند منطق قدرت را بر همه حوزه ها گسترش دهد. باین همه، جای نقش مغرب خرده نظام سیاست و حکومت در کتاب چندان مورد توجه قرار نگرفته است. اشاراتی وجود دارد اما این اشارات کافی نیستند. در نهایت به نظر می رسد در کتاب در کنار اشاره به عوامل مؤثر بر افول اجتماع، پوشش های اعتماد ساز، ارتباط اقربین و مولد سرمایه اجتماعی که در جامعه ایران میان معلمان، دانشجویان، زنان و... وجود دارند و افزایش دوره می های دوستانه، صندوق های وام خانوادگی، انجمن های کتابخوانی، روضه های زنانه، انجمن های خیریه، تیم های کوهنوردی و... را می توان نمونه هایی از آن دانست، به اندازه کافی مورد التفات قرار نگرفته اند.